

بررسی ارتباط میان شهرنشینی و رشد اقتصادی : مورد مطالعه کشورهای منتخب اسلامی

علی حسین سلمان^۱، بهاره ملکی^۲

DOI: 10.82383/JDEP.2025.1192598

چکیده

اقتصاددانان از دیر باز قسمت عمده بحث‌های خود را به بیان نظریات رشد اقتصادی اختصاص داده‌اند. الگوهای جدید رشد، رویکردها و الزامات سیاستی جهت تحقق یک رشد پایدار را گسترش تجارت، توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء بهره‌وری و سیاست‌های کارآمد دولت می‌دانند. با توجه به این که اغلب کشورهای اسلامی، از جمله کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته بوده و با معضلاتی همچون سطح پایین درآمد سرانه و نرخ‌های نازل رشد اقتصادی روبرو می‌باشند؛ لذا این کشورها برای رهایی از چنین مشکلاتی نیازمند رشد اقتصادی سریع و مستمر هستند. یکی از مهم‌ترین متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی در مطالعات جدید شهرنشینی است. در کشورها با افزایش تمرکز جمعیت در شهرها به هم ریختن رابطه بین روستاها، شهرک‌ها و شهرها و افزایش نابرابری توزیع در نظام شهری و به منظور تمرکززدایی از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجموعه اقداماتی در چند دهه اخیر صورت گرفته است. لذا هدف این تحقیق، بررسی ارتباط بین دو متغیر شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی می‌باشد. در هر نقطه از زمان، با توجه به سطح توسعه شهری یک کشور، ممکن است منابع به طور یکنواخت در بین شهرهای مختلف پراکنده شوند و بنابراین درجه صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید کوچک گردد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌دار بین شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه طی دوره زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۰ وجود دارد.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، شهرنشینی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص توسعه انسانی، تجارت خارجی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ استادیار، دکتری علوم اقتصادی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول) malekibahare@yahoo.com

مقدمه

جهان دارای اقتصادهایی بسیار متفاوت و ناهمگون است. با این وجود، رشد و توسعه اقتصادی از جمله اهدافی است که هر اقتصادی دنبال می کند. دلیل این مساله، وجود منافع و مزایای فراوانی است که در روند رشد تحقق می یابد. اما، دستیابی به رشد اقتصادی^۱ بالا و پایدار نیازمند پاسخ به این سؤال است که، چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تأمین می کند؟ و یا نرخ رشد اقتصادی چگونه و از طریق چه عوامل و سیاست های مختلف تحت تأثیر قرار می گیرد؟

مطالعه با موضوع شهر و کارکردهای آن در معنای امروزی رشته جدیدی می باشد، اگرچه شهر و توجه به آن از قدمت بیشتری برخوردار است. در معنای اخیر پس از انقلاب صنعتی می باشد که شهر در کانون توجه اقتصاددانان قرار می گیرد، با این حال، شهر همیشه مشغله فکری بشر بوده است، در دنیای کهن مطالعه شهر در آثار ارسطو، افلاطون و آگوستین، در قرون میانه در نظریات ماکیاولی همچنین در آثار فیلسوفان قرن هفدهم مانند "بودن" مطرح شده است و در طول قرن هیجدهم شهر در تئوری اجتماعی ژان ژاک روسو بازتاب می یابد، اما هویت جامعه و شهر پس از انقلاب صنعتی است که تغییر اساسی پیدا می کند. پس از این تغییرات، شهر در کانون توجهات صاحب نظران رشته های مختلف جامعه شناسی، جغرافیا، اقتصاد، برنامه ریزی و اقتصاد قرار می گیرد. برای شناخت شهر عوامل کارکردی بسیاری وجود دارد. یکی از مهمترین مولفه های شناخت ساختار شهر، بررسی نظام شهری می باشد. نظام شهری عبارت است از مجموعه ای از شهرک ها و شهرهای وابسته به یکدیگر که ساختار نظام سکونت گاه های شهری را در یک منطقه یا کشور به وجود می آورند. یکی از مهم ترین مباحث در نظام شهری، چگونگی توزیع فضایی جمعیت است. از آنجا که توزیع فضایی جمعیت در سطح نظام شهری، از یک طرف تحت تأثیر عوامل مختلف به وجود می آید و از طرف دیگر بر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تأثیر می گذارد، این عوامل قابل بررسی و تحقیق می باشند.

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که تجمع فعالیتهای اقتصادی میتواند به رشد و توسعه اقتصادی کمک نماید و اثرات مثبتی داشته باشد، که این اثرات دارای منابع گوناگون است. برخی معتقد به افزایش بهرهوری بنگاههای انفرادی بهصورت مستقیم از طریق انتشار اطلاعات بازاری یا فنی هستند. در مقابل، عدهای اعتقاد به افزایش سود با کاهش هزینههای حمل و نقل به واسطه نزدیکی به بازار مصرف و تهیهکنندگان نهادهای تولید میباشند. لذا دستیابی به رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی و رفاه عمومی همواره جزو اهدافی است که دولت های مختلف جهان در پی آن هستند؛ در مطالعات اقتصادی، شناسایی عواملی که رسیدن به این اهداف را تسهیل میکنند نقش بسزایی دارند. از طرفی دیگر از دیرباز بررسی نقش جمعیت و آثار آن بر جوامع مختلف، کانون توجه اندیشمندان بوده است (فرهنگ دوست، ۱۳۹۷).

۱- بیان مساله

اقتصاددانان از دیر باز قسمت عمده بحث های خود را به بیان نظریات رشد اقتصادی اختصاص داده اند (لیانگ و یانگ^۲، ۲۰۱۹). از اواخر دهه هشتاد تحقیقات زیادی در زمینه الگوهای رشد انجام گرفت که منجر به ایجاد الگوهای جدیدی به نام «الگوهای رشد درون زا» گردید. این الگوها معتقدند که ساز و کارهای درونی اقتصاد مانند آموزش، سطح مناسبی از علم و مهارت، پژوهش و... در رشد اقتصادی نقش دارند (وانگ و سو^۳، ۲۰۱۹).

البته هدف تئوری پردازان رشد درونزا، عدم توجه به عامل سرمایه و فناوری نیست، بلکه معتقدند هر دوی این موارد از اجزای ضروری رشد هستند اما به کار گیری مجموعه ای از سیاست ها در کنار سرمایه و فناوری، نرخ رشد اقتصاد را تحت تأثیر قرار می

^۱ Economic Growth

^۲ .Liang & Yang (2019)

^۳ . Wang & Su)

دهد) وانگ و همکاران، ۲۰۱۹)^۱. الگوهای جدید رشد، رویکردها و الزامات سیاستی جهت تحقق یک رشد پایدار را گسترش تجارت، توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء بهره‌وری و سیاست‌های کارآمد دولت می‌دانند. به عبارت دیگر بر اساس این مطالعات، رشد اقتصادی بر اساس مجموعه‌ای از ساز و کارها اتفاق می‌افتد که در این مجموعه، غیر از نهاده‌های اولیه تولید، عوامل دیگری نیز دخیل هستند. با توجه به این مسئله اگر زمینه لازم جهت کارکرد این ساز و کارها ایجاد نشود، نمی‌توان یک رشد پایدار اقتصادی را انتظار داشت (ژنگ و والش، ۲۰۱۹)^۲.

با توجه به این که اغلب کشورهای اسلامی، از جمله کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته بوده و با معضلاتی همچون سطح پایین درآمد سرانه و نرخ‌های نازل رشد اقتصادی روبرو می‌باشند؛ لذا این کشورها برای رهایی از چنین مشکلاتی نیازمند رشد اقتصادی سریع و مستمر هستند. یکی از مهم‌ترین متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی در مطالعات جدید شهرنشینی است (مجید و توقر، ۲۰۲۰)^۳.

نظام شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرک‌ها و شهرهای وابسته به یکدیگر که ساختار نظام سکونت‌گاه‌های شهری را در یک منطقه یا کشور به وجود می‌آورند (انور و همکاران، ۲۰۲۰)^۴. یکی از مهم‌ترین مباحث در نظام شهری، چگونگی توزیع فضایی جمعیت است. از آنجا که توزیع فضایی جمعیت در سطح نظام شهری، از یک طرف تحت تأثیر عوامل مختلف به وجود می‌آید و از طرف دیگر بر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تأثیر می‌گذارد، درخور بحث و بررسی دقیق است. همزمان با افزایش درآمد و تولید در جهان، تقاضا برای خدمات شهری نیز افزایش یافته است، که به دنبال آن شهرک‌ها و شهرها هم از نظر تعداد و هم از نظر اندازه جمعیتی رشد یافتند (لیوبیکینه و بوتکوس، ۲۰۱۹)^۵. چنین افزایشی در اندازه و تعداد شهرها، در طی دوره شهرنشینی^۶ سریع یعنی از اوایل قرن نوزدهم در کشورهای توسعه یافته و از اواسط قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوسته اما افزایش ثروت عمومی به همان میزان نبوده است. نتیجه‌ی این امر ایجاد نابرابری در توزیع جمعیت در نظام شهری کشورها در دو قرن گذشته است (سان و همکاران، ۲۰۱۹)^۷.

مطالعات نشان می‌دهد که توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در نظام شهری کشورهای در حال توسعه، نامتعادل‌تر و نابرابرتر از کشورهای توسعه یافته بوده است. با توجه به اینکه نابرابری در اندازه جمعیتی، زمینه ساز نابرابری در سایر بخش‌ها نظیر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد و به دنبال آن مسائل و مشکلات عدیده‌ای در سکونت‌گاه‌های شهری و غیرشهری به وجود می‌آید، بسیاری از دانشمندان در دوره‌های مختلف، ابعاد متفاوت نظام شهری و چگونگی توزیع جمعیت در نظام شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند (عباسی و همکاران، ۲۰۱۹)^۸. برخی به تبیین نظام شهری پرداخته و عده‌ای نیز با ارائه مدل‌هایی سعی در شناخت میزان تعادل و شناخت چگونگی نظام شهری داشته‌اند، برخی دیگر نیز راهکارهایی را در زمینه بهبود و افزایش میزان تعادل آن ارائه کرده‌اند. در کشورها با افزایش تمرکز جمعیت در شهرها به هم ریختن رابطه بین روستاها، شهرک‌ها و شهرها و افزایش نابرابری توزیع در نظام شهری و به منظور تمرکززدایی از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجموعه اقداماتی در چند دهه‌ی اخیر صورت گرفته است، که از آن جمله می‌توان به سیاست‌های معافیت‌های مالیاتی برای صنایع مستقر در نقاط پیرامونی، توسعه سامانه‌های حمل و نقل، تمرکززدایی فضایی از طریق مطالعات طرح کالبدی ملی، طرح‌های آمایش منطقه‌ای و ناحیه‌ای اخیراً

^۱. Wang & et.

^۲. Zheng & Walsh

^۳. Majeed & Tauqir

^۴. Anwar & et.

^۵. Liobikienė & Butkus

^۶. Urbanization

^۷. Sun et al.

^۸. Abbasi et al.

واگذاری اختیارات بیشتر به استان ها اشاره کرد که زمینه ساز افزایش تولید و رشد اقتصادی را فراهم می آورد. لذا هدف این تحقیق، بررسی ارتباط بین دو متغیر شهر نشینی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی می باشد.

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- پیشینه تحقیق خارجی

-شابان و همکاران (۲۰۲۲)^۱، در مقاله ای تحت عنوان "علیت بین شهرنشینی و رشد اقتصادی: شواهدی از ایالات هند"، بیان کردند که مطالعات فراوانی در مورد دوگانگی شهر و روستا وجود دارد. در ادبیات جریان اصلی اقتصادی و علمی منطقه ای، مراکز شهری معمولاً به عنوان ماشین های رشد، قطب های رشد یا کانون های رشد و شهرنشینی به عنوان محرک رشد اقتصادی توصیف شده اند. معمولاً فرض بر این است که تجمع عوامل تولید در مراکز شهری باعث ایجاد صرفه جویی در مقیاس می شود و رشد اقتصادی از این مراکز به مناطق پیرامونی سرازیر خواهد شد. همچنین نویسندگان عنوان کردند که اکثر این مطالعات یک رابطه علی یک طرفه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی را فرض می کنند. با این حال، در مناطقی که نیروی محرکه مراکز شهری ضعیف تر است و سرمایه های سربار اجتماعی در آن ها وجود دارد، احتمالات فراوانی برای علیت معکوس وجود دارد. در مناطق غیر شهری به اندازه کافی توسعه نیافته است. در این شرایط حتی تغییرات جزئی اقتصادی در اقتصادهای غیر شهری باعث رشد جمعیت شهری خواهد شد. به همین دلیل، آنها در تحقیق خود، با استفاده از آزمون علیت گرنجر، رابطه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی در هند را در سطح ایالت طی سال های ۱۹۷۱-۲۰۲۰ بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که در هند اکثر ایالت ها علیت گرنجر یک طرفه را از رشد اقتصادی تا شهرنشینی نشان می دهند و این یافته نه تنها حاکی از قدرت پیشرانه کمتر مراکز شهری است، بلکه توسعه نامتوازن SOC بین مراکز شهری و روستایی را نیز نشان می دهد و از این رو باعث مهاجرت مردم به شهرها با افزایش درآمد به منظور استفاده از امکانات شهری می شود.

-انفلو و همکاران (۲۰۱۹)^۲، در مقاله ای تحت عنوان "هر چه بیشتر، شادتر؟ شهرنشینی و رشد تولید ناخالص داخلی منطقه ای در اروپا در قرن بیستم"، رابطه شهرنشینی و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در ۱۷۳ منطقه اتحادیه اروپا برای یک دوره بلندمدت از ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰ به تفکیک ۱۱ میان دوره بررسی نموده اند. یافته های اصلی این است که این رابطه تا سال ۱۹۷۰ و قبل از جنگ جهانی دوم با ضریب بسیار بزرگتر مثبت و قدرت این روابط به مرور زمان کاهش می یابد و بعد از دهه ۱۹۷۰ ضعیف و قابل توجه نیست. این نتیجه را به پدیده های متصل مینمایند که فی و اوپال (۲۰۱۲)^۳، از آن به عنوان «شهرنشینی بدون رشد» در مورد کشورهای در حال توسعه یاد می کند.

-نگیان و همکاران (۲۰۱۸)^۴، در مقاله ای تحت عنوان "رابطه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی: یک مطالعه تجربی بر روی کشورهای آسه آن"، از آزمون علیت گرنجر و روش تخمین رگرسیون با داده های پانل استاتیک و پویا برای بررسی این ارتباط طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۳ برای هفت کشور آسه آن است: برونئی، کامبوج، اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند و ویتنام استفاده کردند. نتایج تحقیق نویسندگان نشان داد که حداقل یک رابطه علی بین شهرنشینی و رشد اقتصادی وجود دارد و شهرنشینی بر

1. Shaban & e.t.

2. Enflo et al(2019)

3. Fay & Opal(2000)

4. Nguyen et al(2018)

رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد. با این حال، رابطه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی غیرخطی است. شهرنشینی به آستانه ای می‌رسد که پس از آن ممکن است مانع رشد اقتصادی شود. آستانه برآورد شده برای مدل استاتیک ۶۹.۹۹ درصد و برای مدل پویا ۶۷.۹۴ درصد است.

زی^۱ (۲۰۱۷)، در مقاله ای تحت عنوان "شهرنشینی و رشد اقتصادی در چین: تحقیق تجربی بر اساس مدل VAR"، با استفاده از داده های سری زمانی از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴ و ساخت مدل VAR، به ترتیب روابط پویا بین رشد اقتصادی و نرخ شهرنشینی جمعیت ساکن، نرخ شهرنشینی زمین و کیفیت شهرنشینی را تحلیل کرد و به این نتیجه رسید که: بین شهرنشینی جمعیت ساکن و رشد اقتصادی چینی ها یک رابطه علیت یک طرفه وجود دارد که اولی باعث رشد بلندمدت دومی می‌شود. علیت یک طرفه نیز بین نرخ شهرنشینی زمین و رشد اقتصادی چین وجود دارد.

شابو^۲ (۲۰۱۰)، در مقاله ای تحت عنوان "رابطه شهرنشینی و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه"، به بررسی رابطه بین شهرنشینی و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداخت. با توجه به این فرضیه که بین شهرنشینی و توسعه اقتصادی رابطه دو طرفه وجود دارد. از یک طرف شهرنشینی باعث ترویج توسعه اقتصادی می‌شود و از طرف دیگر مانعی برای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. وی به این نتیجه دست یافت که در کشورهای در حال توسعه، رابطه ضعیفی بین رشد شهری و توسعه اقتصادی وجود دارد.

اسچافار^۳ (۲۰۰۸)، در مقاله ای تحت عنوان "نابرابری درآمد منطقه ای و روند شهرنشینی در چین طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۷۸"، نشان داد که استان های ساحلی در کشور چین بر خلاف استان های داخلی وارد مرحله ای جدید از توسعه اقتصادی شده اند که در آن ها رشد اقتصادی شروع به گسترش کرده است. وی عامل این موضوع را توسعه شهرنشینی در استان های ساحلی می‌داند.

لو^۴ (۲۰۰۷)، در مقاله ای تحت عنوان "رشد اقتصادی و شهرنشینی: آزمون علیت"، با استفاده از آزمون علیت گرنجر، رابطه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی برای ۲۸ کشور برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۵۰ را بررسی کرده است. وی به این نتیجه رسید که در بلندمدت رابطه پایدار بین این دو متغیر وجود دارد و نیز آزمون گرنجر نشان داده که در کشورهای در حال توسعه، شهرنشینی، علت و متغیرهای اقتصادی، معلول اند؛ در حالی که در کشورهای توسعه یافته برعکس است.

۲-۲- پیشینه تحقیق داخلی

نوبهار و همکاران^۱ (۱۴۰۲)، در مقاله ای تحت عنوان "بررسی رابطه بین نابرابری درآمد، شهرنشینی و رشد اقتصادی در استان های ایران"، یکی از مهم ترین اهداف سیاستگذاران اقتصادی، توزیع عادلانه و مناسب درآمد بین اقشار مختلف جامعه است. با توجه به اهمیت بحث عدالت و توزیع عادلانه درآمد در ایران و وضعیت نامناسب شاخص های توزیع درآمد در استان های کشور، نویسندگان در این تحقیق به بررسی رابطه نابرابری درآمد با شهرنشینی و رشد اقتصادی در استان های ایران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۵ پرداختند. در این راستا به منظور بررسی دقیق رابطه بین متغیرهای تحقیق، از دو رویکرد برای بررسی مسئله تحقیق استفاده کردند. بدین منظور، ابتدا رابطه علیت بین نابرابری درآمد با شهرنشینی و رشد اقتصادی با استفاده از روش دومیترسکو-هورلین مورد بررسی قرار

1. zi(2017)

2. Shabu(2010)

3. Schuffar(2008)

4. LO(2007)

گرفت. سپس به منظور تکمیل بحث و تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای شهرنشینی و تولید ناخالص داخلی بر نابرابری درآمد، مدل نابرابری درآمد با در نظر گرفتن ساختار فضایی و با لحاظ دو متغیر شهرنشینی و GDP سرانه و چندین متغیر کنترل و با استفاده از رهیافت پانل فضایی مورد برآورد قرار گرفت. نتایج آزمون علیت دومیترسکو-هورلین نشان دهنده وجود رابطه علیت یک طرفه از شهرنشینی به نابرابری درآمدی و وجود رابطه علیت دوطرفه بین تولید ناخالص داخلی و نابرابری درآمدی در استان های ایران است. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش پانل فضایی نیز نشان داد که متغیرهای نرخ شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی سرانه و باسوادی از مهم ترین متغیرهای اثرگذار بر نابرابری درآمدی در استان های کشور هستند.

-شعبانی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله ای تحت عنوان "بررسی اثرات سرریز فضای شهرنشینی بر رشد اقتصادی استان های ایران"، عنوان کردند که شهرها نقش مهمی در توزیع جمعیت و رشد اقتصادی ایفا می کنند و یکی از جنبه هایی که در ادبیات اقتصاد شهری به آن پرداخته می شود، رابطه افزایش جمعیت شهری و رشد اقتصادی است. همچنین مطرح کردند که شهرنشینی ارتباط بین جمعیت، اشتغال، مهاجرت، ساختار کالبدی و محیط انسان ساخت است که توسعه آن در هر زمان و فضای جغرافیایی تحت تأثیر شرایط ملی و بین المللی است. با توجه به اینکه رشد اقتصادی یک منطقه جغرافیایی تحت تأثیر متغیرها و اثرات سرریز مناطق دیگر به ویژه همسایگان آن قرار دارد علاوه بر وابستگی فضایی ایجاد شده از طریق این متغیرها، اثراتی که در میان تمام مناطق جغرافیایی مشترک هستند نیز موجب ایجاد همبستگی در رشد اقتصادی واحدهای جغرافیایی می شوند. لذا لازم است میان وابستگی ایجاد شده توسط این عوامل و وابستگی فضایی ناشی از اثرات فضایی متغیرها تفاوت قائل شد زیرا در غیر این صورت نقش اثرات فضایی پررنگتر از آنچه واقعیت دارد نشان داده خواهد شد. نویسندگان برای کنترل این اثرات، الگوهای فضایی با و بدون این اثرات در ۳۰ استان ایران را برآورد کرده و به این نتیجه رسیدند که حتی با در نظر گرفتن اثرات عوامل عام مشترک، همچنان وجود خودهمبستگی مثبت فضایی بین رشد اقتصادی استان ها وجود دارد اما نکته ای که نتایج اعمال اثرات عوامل عام مشترک نشان می دهد این است که در نظر گرفتن این اثرات، باعث کاهش شدت اثر فضایی شده است. همچنین بیان کردند که نتایج برآورد الگوی دوربین فضایی پویا، حاکی از آن است که رابطه شهرنشینی و رشد اقتصادی استان های ایران به صورت u معکوس است و اثرات سرریز شهرنشینی بر رشد اقتصادی استان های همجوار مثبت و معنی دار می باشد.

-فرهنگ دوست (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان "بررسی رابطه شهرنشینی و رشد اقتصادی در ایران"، بیان کرد که دستیابی به رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی و رفاه عمومی همواره جزو اهدافی است که دولت های مختلف جهان در پی آن هستند؛ در مطالعات اقتصادی، شناسایی عواملی که رسیدن به این اهداف را تسهیل میکنند نقش بسزایی دارند. از طرفی دیگر از دیرباز بررسی نقش جمعیت و آثار آن بر جوامع مختلف، کانون توجه اندیشمندان بوده است. وی در مقاله خود رابطه شهرنشینی و رشد اقتصادی در ایران طی دوره ای ۴۰ساله را با استفاده از روش اقتصادسنجی تصحیح خطای برداری (VECM) مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که در بلندمدت، افزایش جمعیت شهری منجر به افزایش رشد اقتصادی می گردد. همچنین یافته های تحقیق به صورت کلی نشان می دهند که افزایش شهرنشینی از طریق صرفه جویی در مقیاس و تخصص گرایی، آثار قابل توجهی را بر رشد، بهره وری، اشتغال و تولید دارد.

حیدری و عبدالعلی زاده (۱۳۹۵)، در مقاله ای تحت عنوان "رابطه بین توسعه آموزش، رشد اقتصادی، شهرنشینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات"، به بررسی رابطه بین توسعه آموزشی، رشد اقتصادی، شهرنشینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداخته است. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که آموزش بر رشد اقتصادی و شهرنشینی تأثیر مثبت دارد، شهرنشینی بر رشد اقتصادی و آموزش دارای تأثیر مثبت است، رشد اقتصادی بر آموزش تأثیر مثبت و بر شهرنشینی اثر منفی دارد و فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی و شهرنشینی تأثیر مثبت و بر رشد هزینه های آموزشی تأثیر منفی دارد.

- سامتی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله ای تحت عنوان "اثرات صفره های تجمع صنعتی و شهرنشینی بر رشد اقتصادی: شواهدی از بازارهای ایران"، به بررسی این اثرات پرداختند. نویسندگان با استفاده از نتایج برآورد شده از طریق تابع تولید گسترش یافته سولو نشان دادند که نظریه هسته پیرامون در استان های ایران صادق نیست. به گونه ای که اثرات سرریز بازارهای خارجی مثبت و معنادار ولی اثر بازار داخلی از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین توسعه زیرساخت های حمل و نقل و تقویت ارتباطات بازارها در نمایان شدن اثر سرریز بازارهای خارجی نقشی تعیین کننده در رشد اقتصادی استان ها دارد.

- محرابیان و صدقی سیگارچی (۱۳۸۹)، در مقاله ای تحت عنوان "تأثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی در کشورهای چهار گروه درآمدی، به بررسی تأثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی در کشورهای چهار گروه درآمدی طی سال های (۲۰۰۷-۱۹۸۵)، پرداختند. با استفاده از روش پنل دیتا، نشان دادند کشورهایی با گروه درآمدی بالای جمعیت، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارند ولی در سایر گروه های درآمدی این اثر مثبت است. بررسی ارتباط میان شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی موضوعی است که می تواند از جنبه های مختلفی مورد مطالعه قرار گیرد.

۳-تصریح مدل

برای انجام تحلیل تجربی و بررسی تأثیر شهرنشینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی^۱ طی دوره زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۰، با استناد به مطالعات پیشین و به ویژه مطالعه نگیان و همکاران (۲۰۱۸)، الگوی زیر تصریح می شود:

$$LY_{it} = \beta_0 + \beta_1 LY_{it-1} + \beta_2 Trade_{it} + \beta_3 Form_{it} + \beta_4 FDI_{it} + \beta_5 urb_{it} + \beta_6 Gov_{it} + \beta_7 HDI_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

نویسنده مقاله فوق ضمن معرفی الگویی جدید در بررسی رابطه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی، افزایش رشد اقتصادی را ناشی از افزایش بهره‌وری نیروی کار و کاهش هزینه‌های تولید، زمینه افزایش تولید و افزایش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. در مطالعات لیانگ (۲۰۱۰)، توجه به ویژگی‌های بافت شهری و ساختاری شهری برای استفاده بهتر از شهرنشینی و مزایای آن را لازم و ضروری می‌داند.

در معادله بالا:

LY_{it} : لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه و نماد رشد اقتصادی

LY_{it-1} : لگاریتم تولید ناخالص داخلی با یک وقفه

۱. همچنین جامعه آماری در این تحقیق کشورهای منتخب اسلامی از جمله اندونزی، تاجیکستان، ایران، آنگولا، عراق، یمن، بورکینافاسو، چاد، گامبیا، قطر، بحرین، آذربایجان، پاکستان، مصر، ترکمنستان، گابن، اردن، سوریه، ترکیه، لبنان، سنگال، توگو، تونس، الجزایر، امارات متحده عربی، عربستان، یمن، بنگلادش، بنین، اوگاندا، مالی، ماکایو، مالدیو، ازبکستان، برونی، برونئی، زامبیا، نیجریه، کویت و لیبی می باشد.

$Trade_{it}$: سهم تجارت (صادرات به اضافه‌ی واردات) به صورت درصدی از GDP

$Form_{it}$: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی

FDI_{it} : سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت درصدی از GDP

urb_{it} : شهرنشینی (به صورت نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت کشور تعریف می‌شود) (وانگ و سو، ۲۰۱۹).

Gov_{it} : اندازه دولت (مخارج مصرفی دولت ، به صورت درصدی از GDP)

HDI_{it} : شاخص توسعه انسانی (به صورت درصدی از GDP)

μ_i : اثرات مربوط به کشورها را نشان می‌دهد که در طول زمان ثابت فرض می‌شود.

ε_{it} : جمله اختلال مدل می‌باشد. اندیس i نشانگر مقاطع (کشورها) و اندیس t نشانگر سال می‌باشد.

تمامی داده‌های لازم برای این مطالعه از وب سایت بانک جهانی گردآوری شده است.

در مدل هایی که متغیر وابسته با وقفه سمت راست معادله وجود دارد، به منظور تخمین معادله از مدل تلفیقی پویا استفاده میشود. یکی از منافع و کاربردهای داده های تلفیقی درک بهتر پویایی ها، توسط محقق است. روابط پویا با حضور متغیرهای وابسته وقفه دار در میان متغیرهای توضیحی مدل سازی می شود.

۳-۱- برآورد مدل تحقیق

۳-۱-۱- آزمون مانایی متغیرها

به کارگیری روش های سنتی در اقتصادسنجی مبتنی بر فرض ایستا بودن متغیرها است. بنابراین برای جلوگیری از رخ دادن پدیده‌ی رگرسیون کاذب در هنگام برآورد الگو، ابتدا لازم است که ایستایی متغیرها مورد بررسی و آزمون قرار گیرد؛ همان‌طور که در فصل روش تحقیق بیان شد، برای بررسی پایایی متغیرها در داده‌های تابلویی از آزمون‌های خاص این نوع از داده‌ها می‌توان استفاده کرد. در این‌جا از آزمون لین و لوین (LL)، که کاربرد بیشتری در بررسی ایستایی متغیرها در داده‌های ترکیبی دارد استفاده می‌شود. بررسی آزمون‌ها از طریق نرم‌افزار ایویوز و از طریق معنی‌داری بر اساس Prob در سطح پنج درصد تعیین می‌گردد. با توجه به اینکه فرضیه‌ی H_0 آزمون نشان‌دهنده‌ی وجود ریشه‌ی واحد برای هر متغیر است، چنانچه P-Value محاسبه شده کمتر از پنج درصد باشد، فرضیه‌ی وجود ریشه واحد برای آن متغیر رد می‌شود. نتایج آزمون ایستایی متغیرها در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون ایستایی متغیرها به روش لین و لوین (سطح)

متغیر	آماره‌ی آزمون	احتمال	مانا/نامانا
LY	-۲/۱۲	۰/۰۲۲	I(0)/مانا
Urb	-۱/۹۸	۰/۰۰۱۵	I(0)/مانا
FDI	-۲/۷۱	۰/۰۰۳۳	I(0)/مانا
GOV	-۶/۴۲	۰/۰۰۰۰	I(0)/مانا
HDI	-۲/۳۵	۰/۰۰۹۲	I(0)/مانا
Form	-۱/۸۰	۰/۰۰۳۵	I(0)/مانا
Trade	-۶/۰۲	۰/۰۰۰۰	I(0)/مانا

منبع: یافته های تحقیق

بر اساس نتایج آزمون لین و لوین و چاو، تمامی متغیرهای تحقیق در سطح، ایستا هستند.

۳-۱-۲- نتایج آزمون تشخیصی چاو

با توجه به ویژگی داده‌های به کار گرفته شده که شامل اطلاعات سری زمانی و داده‌های مقطعی است، در بسیاری از مطالعات انجام شده در زمینه‌ی اقتصاد از مجموعه داده‌های پانل شده برای بررسی استفاده گردیده است. استفاده از این رهیافت مزیت‌های متعددی دارد. این تکنیک امکان می‌دهد تا اثر متغیرهای حذف شده را که در طول زمان تداوم دارند در رگرسیون وارد کرد و در چارچوب روش داده‌های پانل شده می‌توان اثرات غیرقابل مشاهده‌ی ناهمگن را از رگرسیون حذف کرد. یکی از سؤالاتی که بر اساس این روش باید به آن پاسخ داده شود نوع مدل انتخاب شده است. برای آزمون صحت و قوت مدل‌های مختلف از آزمون‌های متعددی استفاده می‌شود. رایج‌ترین این آزمون‌ها، آزمون‌های چاو و هاسمن است. در نرم‌افزار ایویوز ۸ آزمون‌های چاو تعیین شده است. از آزمون چاو برای انتخاب میان روش حداقل مربعات تجمیع شده و روش پانل استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه‌ی H_0 نشان‌دهنده‌ی استفاده از روش حداقل مربعات تجمیع شده است و فرضیه‌ی H_1 نشان‌دهنده‌ی رویکرد اثر ثابت است. رویکرد اثر ثابت زمانی پذیرفتنی است که تفاوت میان مقاطع را بتوان با جملات عرض از مبدأ توضیح داد. اما روش حداقل مربعات تجمیع شده از حالت وجود عرض از مبدأهای مشابه استفاده می‌کند.

۳-۱-۳- نتایج تخمین مدل

برای برآورد مدل ابتدا با استفاده از آزمون تشخیصی (چاو) نوع مدل انتخاب می‌شود. برای آزمون چاو، ابتدا مدل اثر ثابت زمانی تخمین زده شده است.

سپس آزمون چاو را انجام داده و بر اساس آماره F استفاده از روش حداقل مربعات تجمیع شده رد خواهد شد. نتایج آزمون به صورت خلاصه در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲): آزمون چاو برای تشخیص الگوی داده‌های ترکیبی یا تلفیقی

نتیجه	P – Value	مقدار محاسبه شده F	آزمون اثرات ثابت (چاو)
رد H0 تایید H1	۰/۰۰۰۰	۲۹۷/۷۱	

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از آزمون چاو، با توجه به مانایی متغیر وابسته در مدل، نتایج برآورد مدل در جدول (۳) به برآورد شده است:

جدول (۳): نتایج برآورد مدل با متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی سرانه

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
C	-۱/۲۷	-۲/۶۵	۰/۰۰۱
LY(-1)	۰/۳۶	۷/۴۳	۰/۰۰۰
Trade	-۰/۱۴۲	-۳/۴۲	۰/۰۰۰
HDI	۰/۳۳	۶/۸۲	۰/۰۰۰
FDI	۰/۲۱	۱/۶۱	۰/۰۱۱
GOV	-۰/۵۰	-۳/۸۰	۰/۰۰۰
Urb	۰/۰۹۴	۲/۰۶	۰/۰۴۲
Form	۰/۱۵۳	۳/۷۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

براساس نتایج جدول فوق:

- علامت تولید ناخالص داخلی سرانه با یک وقفه بر رشد اقتصادی، مثبت و معنادار است.
 - علامت متغیر شهرنشینی بر رشد اقتصادی مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است.
 - علامت تجارت خارجی منفی و از لحاظ آماری معنی‌داری است. به عبارتی تجارت خارجی، رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه را کاهش می‌دهد.
 - علامت متغیر شاخص توسعه انسانی مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است. این نتیجه بیان‌گر آن است که افزایش شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد مطالعه رشد اقتصادی در این کشورها را افزایش داده است.
- بر اساس سایر نتایج این مطالعه نیز:
- اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر رشد اقتصاد مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است.
 - اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی نیز منفی و معنی‌دار است.

جدول (۴): آزمون‌های آماری

آزمون‌های آماری		
Sargan Test	(۳۱/۱۵)	۰/۲۶
Arellano-Bond Test for AR(1)	(-۲/۷۲)	۰/۰۵
Arellano-Bond Test for AR(2)	(-۰/۸۸)	۰/۳۹
Wald Test	(۶۲/۰۱)	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که مدل برآوردی از نظر شاخص‌های آماری در وضعیت مناسبی قرار دارد. فرضیه صفر آزمون سارگان را نمی‌توان رد کرد و از این رو می‌توان گفت که متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل برآوردی معتبر هستند زیرا فرض صفر آزمون سارگان بر معتبر بودن ابزارها دلالت دارد. همچنین فرضیه صفر آزمون همبستگی سریالی که در آن جملات خطا در رگرسیون تفاضلی مرتبه اول همبستگی سریالی مرتبه دوم را نشان نمی‌دهند را نمی‌توان رد کرد. به عبارتی در مدل برآوردی خود همبستگی از درجه یک و دو وجود ندارد.

۳-۱-۴- آزمون فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق در پی بررسی ارتباط میان شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی در بازه زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۰ بوده و به همین منظور فرضیه‌های زیر را مورد مورد آزمون قرار داده است:

آزمون فرضیات

در این بخش، به آزمون هر یک از فرضیات و تفسیر و تجزیه و تحلیل آن پرداخته می‌شود.
آزمون فرضیه اول:

شهرنشینی، بر رشد اقتصادی بی‌تاثیر است:

اثر شهرنشینی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار بود که با مطالعات نظری و تجربی پیشین از جمله مطالعات شایان و همکاران (۲۰۲۲)، نگوین و نگوین (۲۰۱۸)، شعبانی و همکاران (۱۴۰۰)، فرهنگ دوست (۱۳۹۷)، حیدری و عبدالعلی زاده (۱۳۹۵) سازگار بوده است. براساس نتایج جدول (۳) علامت متغیر شهرنشینی بر رشد اقتصادی مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است. شهرها نقش اساسی در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند و تولید کارآمد و پویای شهرها برای رشد اقتصاد ملی و اقتصاد شهری ضروری است (جانسون^۱ و لهن^۲، ۲۰۰۵). ورود موج صنعتی شدن به کشورهای جهان سوم، از اوایل قرن بیستم منجر به افزایش تولید و درآمد و به دنبال آن تقاضا برای خدمات شهری گردید. این روند، تعداد و اندازه شهرها را در این کشورها بالا برد و از اواسط قرن بیستم زمینه برای نابرابری و عدم تعادل در نظام شهری این کشورها فراهم را آورد (پوماین^۳، ۲۰۰۳). اما آنچه در کشورهای پیشرفته رخ داد، سازگاری آرام و منظمی میان تغییرات ساختار فضایی نظام شهری با دگرگونی در منابع انرژی و زیرساختی را به نمایش می‌گذاشت و به همین سبب نظام شهری در کشورهای پیشرفته دارای نظم بیشتری است.

¹Johnson

²Lehmann

³Pumain

در هر نقطه از زمان، با توجه به سطح توسعه شهری یک کشور، ممکن است منابع به طور یکنواخت در بین شهرهای مختلف پراکنده شوند و بنابراین درجه صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید کوچک گردد (فرهمند و بدری، ۱۳۹۱). حتی ممکن است منابع در یک یا چند شهر بسیار بزرگ تمرکز بیش از حد داشته باشند، که در این صورت هزینه‌های رفت و آمد، تراکم و کلاً هزینه‌های زندگی در آن شهرها بالا می‌رود و باعث افزایش هزینه‌های تولید کالاها و کاهش کیفیت ارائه خدمات شهری در آنها گردد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که درجه بهینه‌ای از تمرکز شهری وجود دارد که از طریق رابطه متقابل میان منافع و هزینه‌های نهایی اجتماعی ناشی از تمرکز شهری حاصل می‌گردد.

اما این تنها تمرکز شهری بیشتر یا کمتر از حد بهینه نیست که می‌تواند هزینه‌هایی را از نظر کارایی اقتصادی و نرخهای رشد ملی بر اقتصاد تحمیل کند، بلکه توزیع اندازه‌ی شهر که بسته به نوع و تنوع فعالیت اقتصادی نیز تغییر می‌کند، نقش اقتصادی شهر را بی‌تأثیر از خود نمی‌کند. بحث ارتباط تمرکز و رشد اقتصادی در مطالعات انجام گرفته توسط هندرسن (۲۰۱۲ و ۲۰۰۲)، در مورد کشورهای مختلف که نشان می‌دهد در اقتصادهای مورد بررسی، درجه تمرکز شهری بر کارایی و رشد اقتصاد ملی مؤثر است و این اثر که به صورت غیر خطی است اثبات گردیده. در این میان ارتباط توزیع اندازه‌ی شهر با رشد اقتصادی از آنجا که تمرکز شهری در بطن آن است، محرز می‌نماید. به عبارت دیگر، با افزایش تمرکز در ابتدا رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، به یک نقطه به اوج می‌رسد و سپس با افزایش بیشتر تمرکز شهری، رشد اقتصادی شروع به کاهش یافتن می‌کند (اسبرگامی^۱ و برولهارت^۲، ۲۰۰۸)، از نظر توزیع، اندازه‌ی شهر نیز نمی‌تواند بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر باشد.

در کشورهای در حال توسعه، توسعه شهری و رشد اقتصادی دوش به دوش هم پیش می‌روند. با توسعه اقتصادی ترکیب تولید اقتصاد از تولیدات کشاورزی و روستایی به سمت تولیدات صنعتی و خدماتی تغییر می‌یابد و با به کارگیری فناوری‌های کاراندوز (سرمایه بر)، نیروی کار از بخش کشاورزی آزاد و به سمت شهرها مهاجرت می‌کند (فرهمند و بدری، ۱۳۹۱). این تغییر ترکیب تولید باعث توسعه شهری در اقتصاد می‌گردد، زیرا بنگاه‌ها و افراد در شهرها جمع می‌شوند تا بتوانند از صرفه‌جویی‌های محلی و شهری ناشی از صنایع و خدمات بهره‌گیرند (هلسلی^۳، واسترنج^۴، ۱۹۹۰؛ و دورنانتون^۵ و پوگا^۶، ۲۰۰۱). به دلیل وجود صرفه‌های ناشی از مقیاس، هنگامی که تولید صنعتی و خدماتی در مناطق متراکم تجاری-صنعتی در شهرها متمرکز شده باشد، بسیار کارا تر خواهد بود. مجاورت فضایی یا تراکم بالای فعالیت و همچنین توزیع مناسب و بهینه‌ی شهرها باعث افزایش سرریز اطلاعات در میان تولیدکنندگان می‌شود و عملکرد بازار را نیز کارا تر می‌کند. از طرفی، هزینه‌های حمل و نقل و مبادله اجزاء، در میان تولیدکنندگان و هزینه‌های حمل محصولات برای شهروندان محلی کاهش می‌یابد و آثار خارجی مثبت قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌گردد (هندرسن، ۲۰۱۲). از طرف دیگر دولت‌ها با اعمال سیاست‌های حمایتی از صنایع شهری، سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی یا پرداخت یارانه در بازار سرمایه در شهرها، باعث جذابیت بیشتر شهرها و مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر می‌شوند (رناد^۷، ۱۹۸۱).

آزمون فرضیه دوم و سوم:

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر است:

اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر رشد اقتصاد مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است. سرمایه، موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. از این رو، افزایش سرمایه‌گذاری

¹Sbergami

²Brühlhart

³Helsley

⁴Strange

⁵Duranton

⁶Puga

⁷Renaud

از طریق تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی که از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه است سبب افزایش تولید و به دنبال آن رشد اقتصادی می‌شود.

در مبانی تئوری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان یک عامل مهم و بنیادی نقشی تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی دارد. تأثیر شگرف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، بیانگر نقش آفرینی این شکل از سرمایه‌گذاری در رونق اقتصادی آنان دارد. نکته مهم در این مسیر نقش بازارهای مالی است اصولاً وجود بازارهای مالی توسعه یافته راه را برای استفاده بهتر از سرمایه‌گذاریهای خارجی و جذب آنان هموار می‌سازد، عموماً نرخ‌های بازده سرمایه‌گذاری بالا، همراه با ثبات در قوانین و مقررات مربوط به مالیات، بیمه، تجارت و... می‌تواند عامل انگیزشی برای سرمایه‌گذاری خارجی باشد. همچنین توسعه بازارهای مالی به سرعت و کارایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌نماید. توسعه بازارهای مالی جدای از اینکه به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در سرمایه‌گذاری خارجی است خود بیان‌گر رونق و پویایی اقتصاد نیز است که می‌تواند نشانه ثبات اقتصادی نیز محسوب شده و عاملی بر جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی نیز باشد.

آزمون فرضیه چهارم:

اندازه دولت بر رشد اقتصادی بی تأثیر است:

علامت اندازه دولت منفی و از لحاظ آماری معنی‌داری است. دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود که در کنار نقش هدایت‌کننده‌اش در اقتصاد، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید. فعالیت‌های دولت می‌تواند بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، اثرات مثبت و منفی داشته باشد. نقش دولت در قالب وضع قوانین، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای تولید را فراهم می‌نماید. همچنین، افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جانشینی جبری اثر منفی داشته باشد. افزایش اندازه، انحصارها و تصدی‌های دولت زمینه‌های رقابت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را کاهش می‌دهد و باعث کاهش تولید و رشد اقتصادی می‌شود. استدلال دیگری که به اثر منفی افزایش مخارج دولت بر رشد اقتصادی اشاره دارد، این است که خطر انعطاف‌ناپذیری یا سخت‌شدگی نهادی و رانت‌جویی افزایش یابد. اولسون (۱۹۸۲) استدلال نموده است که گروه‌های فشار سازمان یافته به سوی تحول گرایش دارند و آنها جهت کسب مزایایی برای گروه خود به شکل قانون یا پرداختهای انتقالی سخت تلاش می‌کنند و این پرداختها یا دریافتهای قانونی از طریق مختل کردن کارکرد اقتصاد بازار اثر کندکننده‌ای را بر رشد می‌گذارند. در تفسیر اثر منفی اندازه دولت بر رشد اقتصادی می‌توان دلایل زیر را نیز ذکر کرد:

- افزایش مالیاتها و استقراض بیشتر دولت برای تأمین مالی هزینه‌های دولت بزرگتر، موجب کاهش منابع مالی و نیز کاهش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، قبول ریسک و فعالیت‌های بابه‌رووری بالاتر می‌شود.
- بازدهی نزولی در فعالیت‌های دولت بزرگ‌تر، موجب تخصیص غیربهره‌مند و اتلاف بخشی از منابع موجود در اقتصاد می‌شود.
- واکنش کندتر بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی برای جبران اشتباهات، انطباق با تغییرات محیط فعالیت، دریافت اطلاعات جدید و استفاده از نوآوری‌ها نیز کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

آزمون فرضیه پنجم:

تجارت خارجی بر رشد اقتصادی بی تأثیر است:

علامت متغیر تجارت خارجی منفی و از لحاظ آماری معنی‌داری است. به عبارتی تجارت خارجی، تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای مورد مطالعه را کاهش می‌دهد. از آنجا که کشورهای مورد مطالعه در این رساله عمدتاً کشورهای در حال توسعه هستند

بنابراین در تفسیر اثر منفی این متغیر بر رشد اقتصادی می‌توان بیان کرد که افزایش تجارت خارجی در این کشورها بیشتر متأثر از افزایش واردات است تا صادرات و در نتیجه دارای اثر منفی بر رشد است.

آزمون فرضیه ششم:

شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر است:

بر اساس نتایج جدول (۳) علامت متغیر شاخص توسعه انسانی مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است. این نتایج بیان‌گر آن است که افزایش شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد مطالعه رشد اقتصادی در این کشورها را افزایش داده است. در دنیای امروز، یکی از وجوه بارز تمایز میان کشورها در نیروی کار متخصص و آموزش دیده آن‌ها است. آموزش و پرورش ظرفیت و بینش علمی فنی و تکنولوژی مردم را برای انجام تحقیقات کاربردی، اختراع و اکتشاف افزایش داده و موجب می‌گردد نیروی کار خود را با تغییرات و تحولات مداومی که در تکنولوژی کالاهای سرمایه‌ای ایجاد می‌شود تطبیق دهد و بتواند از ماشین‌آلات، تجهیزات و تکنولوژی‌های پیشرفته، بهتر استفاده نماید. سرمایه‌گذاری در منابع انسانی با بالا بردن سطح مهارت‌ها و تخصص‌های نیروی کار و افزایش قابلیت‌های آن می‌تواند موجب ارتقای کمی و کیفی تولید شده و کارایی استفاده از سرمایه‌های مادی را بالا برد. نیروی کار ماهر و برخوردار از دانش و تخصص بخش اعظم عوامل تولید و اقتصاد مبتنی بر دانش را تشکیل می‌دهد. نیروی کار دانش‌آموخته (سرمایه انسانی) می‌تواند به بهبود کیفیت کالا کمک کند و از طرفی نقش برنامه ریز و هدایت‌کننده داشته باشد. آن دسته از نیروی کاری که از سطح دانش و آموزش بیشتری برخوردار باشد، قادر است در چرخه تولید پویایی و تحول تکنولوژیک ایجاد کرده، سبب افزایش ظرفیت تولید، توسعه تجارت و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر شود.

- همچنین سرمایه‌گذاری در منابع انسانی با بالا بردن سطح مهارت‌ها و تخصص‌های نیروی کار و افزایش قابلیت‌های آن می‌تواند موجب ارتقای کمی و کیفی تولید شده و کارایی استفاده از سرمایه‌های مادی را بالا برد. نیروی کار ماهر و برخوردار از دانش و تخصص بخش اعظم عوامل تولید و اقتصاد مبتنی بر دانش را تشکیل می‌دهد. نیروی کار دانش‌آموخته (سرمایه انسانی) می‌تواند به بهبود کیفیت کالا کمک کند و از طرفی نقش برنامه ریز و هدایت‌کننده داشته باشد. آن دسته از نیروی کاری که از سطح دانش و آموزش بیشتری برخوردار باشد، قادر است در چرخه تولید پویایی و تحول تکنولوژیک ایجاد کرده، سبب افزایش ظرفیت تولید، توسعه تجارت و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر شود.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شهر و اقتصاد چه پیوند و ارتباط وسیعی با هم دارند که در آن‌ها عنصر انسان به عنوان یک واحد اقتصادی بسیار برجسته می‌باشد. مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان داده‌اند که شهر از حیث تعدد و تمرکز بر تولید اثرگذار بوده است. اما اینکه این اثرگذاری از چه دریچه‌ای اتفاق می‌افتد، برای آن عوامل و علت‌هایی زیادی ذکر گردید. ولی تحلیل وسیع و موشکافانه پژوهش حاضر تأثیر شهرنشینی از طریق افزایش بهره‌وری نیروی کار بود که نشان داده شد توزیع اندازه‌ی شهرها از تأثیرگذاری بر بهره‌وری نیروی کار دریغ نمی‌ورزند.

در پژوهش حاضر جهت بررسی ارتباط میان شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی از روش گشتاورهای تعمیم یافته استفاده شد. طبق فرضیه اول، سرمایه‌گذاری خارجی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی بی‌تأثیر است. از این رو، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند صنعت، خدمات، و کشاورزی. این بررسی می‌تواند تفاوت‌های بالقوه در تأثیرات این عوامل بر رشد اقتصادی را روشن سازد. همچنین، شناسایی و تحلیل عواملی که ممکن است بر تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

داخلی بر رشد اقتصادی تأثیر گذار باشند، مانند سیاست‌های دولت، کیفیت زیرساخت‌ها، و محیط کسب و کار. در فرضیه دوم، اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی بی‌تأثیر است. لذا بررسی تأثیر اندازه و کارایی دولت بر رشد اقتصادی پیشنهاد می‌شود که این شامل تحلیل ساختار بودجه دولتی، میزان بهره‌وری هزینه‌های دولتی، و کیفیت حکمرانی است. در فرضیه سوم، تجارت خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی بی‌تأثیر است. بر این اساس ارزیابی تأثیر سیاست‌های تجاری مختلف مانند تعرفه‌ها، توافق‌نامه‌های تجاری، و سیاست‌های حمایت گرایانه بر رشد اقتصادی پیشنهاد می‌گردد **طبق فرضیه آخر**، شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی بی‌تأثیر است. بدین منظور بررسی رابطه بین شاخص توسعه انسانی (HDI) و رشد اقتصادی با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی و تحلیل‌های آماری، همچنین تحلیل تأثیرات مختلف عناصر تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، درآمد) بر رشد اقتصادی به صورت جداگانه پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- حیدری، حسن و فیروز عبدالعزیزاده (۱۳۹۵)، رابطه بین توسعه آموزش، رشد اقتصادی، شهرنشینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۸۸، شماره ۸، صص ۱۱-۲۲.
- سامتی، مرتضی، فتح آبادی، مهدی و همایون رنجبر (۱۳۹۳)، اثرات صرفه های تجمع صنعتی و شهرنشینی بر رشد اقتصادی: شواهدی از بازارهای ایران، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال هشتم، شماره ۸، صص ۸۸-۸۲.
- شعبانی، محمدعلی، هوشمند، محمود، ناجی میدانی، علی اکبر و محمد قربانی (۱۴۰۰)، بررسی اثرات سرریز فضای شهرنشینی بر رشد اقتصادی استان های ایران، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، (۱۲)، تابستان ۱۴۰۱، صص ۷۶-۵۳.
- فرهنگ دوست، محمد (۱۳۹۷)، بررسی رابطه شهرنشینی و رشد اقتصادی در ایران، مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۹۱-۸۱.
- نوبهار، الهام، پناهی، حسین و زهرا، مهری (۱۴۰۲). "بررسی رابطه بین نابرابری درآمد، شهرنشینی و رشد اقتصادی در استان های ایران". نشریه: برنامه ریزی و بودجه سال: ۱۴۰۲. دوره: ۲۸، شماره: ۱ صفحات: ۹۷-۱۲۲.
- محرابیان، آزاده و نازیلا صدقی سیگارچی (۱۳۸۹)، تأثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی در کشورهای چهارگروه درآمدی، فصلنامه علوم اقتصادی، سال چهارم، شماره ۸۸، صص ۸۰-۱۲.

- Abbasi, K. R., Shahbaz, M., Jiao, Z., & Tufail, M. (2021). How energy consumption, industrial Growth, urbanization, and CO2 emissions affect economic growth in Pakistan? A novel Dynamic ARDL simulations approach. *Energy*, 221, 119793.
- Anwar, A., Younis, M., & Ullah, I. (2020). Impact of urbanization and economic growth on CO2 emission: a case of Far East Asian countries. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(7), 2531.
- Enflo, Kerstin, Missiaia, Anna. & Rosés Joan. (2019). "The More, the Merrier? Urbanization And Regional GDP Growth in Europe over the 20th Century". University of Southern Denmark, Odense 25-26 April 2019, Preliminary draft. Do Not Cite Without Permission. pp. 1-19.
- Liang, W., & Yang, M. (2019). Urbanization, economic growth and environmental pollution: Evidence from China. *Sustainable Computing: Informatics and Systems*, 21, 1-9.
- Liobikienė, G., & Butkus, M. (2019). Scale, composition, and technique effects through which The economic growth, foreign direct investment, urbanization, and trade affect greenhouse Gas emissions. *Renewable energy*, 132, 1310-1322.

- Lo, D. (2007). Urbanization and Economic Growth: Testing for Causality. Building and Real Estate Workshop Paper
- Majeed, M. T., & Tauqir, A. (2020). Effects of urbanization, industrialization, economic growth, Energy consumption, financial development on carbon emissions: an extended STIRPAT Model for heterogeneous income groups. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, 14(3), 652-681.
- Nguyen, Ha Minh. & Nguyen, Le Dang. (2018). "The Relationship between Urbanization and Economic Growth: an Empirical Study on ASEAN Countries". *International Journal of Social Economics*. Pp. 12-37.
- Schuffar, A. (2008). Regional Income Inequality and Urbanization Trends in China: 1978-2005. *Région et Développement*, 28, 88-110.
- Shaban, A., Kourtiti, k., Nigkampi, p. (2022). "Causality Between Urbanization and Economic Growth: Evidence From the Indian States". Published in *Frontiers in Sustainable... 20 May 2022 Economics, Geography*.
- Shabu, T. (2010). The Relationship between Urbanization and Economic Development in Developing Countries. *International Journal of Economic Development Research and Investment*, 1(2- 3), 30-36.
- Sun, J., Wang, J., Wang, T., & Zhang, T. (2019). Urbanization, economic growth, and Environmental pollution: Partial differential analysis based on the spatial Durbin Model. *Management of Environmental Quality: An International Journal*, 30(2), 483-494.
- Wang, Q., & Su, M. (2019). The effects of urbanization and industrialization on decoupling Economic growth from carbon emission—a case study of China. *Sustainable Cities and Society*, 51, 101758.
- Wang, Q., Su, M., Li, R., & Ponce, P. (2019). The effects of energy prices, urbanization and Economic growth on energy consumption per capita in 186 countries. *Journal of cleaner Production*, 225, 1017-1032
- Zheng, W., & Walsh, P. P. (2019). Economic growth, urbanization and energy consumption—A Provincial level analysis of China. *Energy Economics*, 80, 153-162.
- Zi, L. (2017). Urbanization and Economic Growth in China: An Empirical Research Based on VAR Model. Published 20 February 2017 *Economics, Geography International journal of economics and finance*.

Abstract

Economists have long devoted most of their discussions to the economic growth theories. New patterns of growth, approaches and policy requirements to achieve a sustainable growth are business expansion, human capital development, productivity improvement and effective government policies. Considering that most of the Islamic countries are developing or less developed countries and they are facing problems such as low level of per capita income and low rates of economic growth; Therefore, these countries need rapid and continuous economic growth to get rid of such problems. One of the most important variables affecting economic growth in new studies is urbanization. In countries, with the increase in population concentration in cities, the disruption of the relationship between villages, towns and cities and the increase in the distribution inequality in the urban system, and in order to decentralize the economic, social and cultural structure, a series of measures have been taken in the last few decades. Therefore, the purpose of this research is to investigate the relationship between the two variables of urbanization and economic growth in selected Islamic countries. At any point in time, according to the level of urban development of a country, resources may be evenly distributed among different cities, and therefore, the degree of savings resulting from the scale of production will be small. The results of this study show that there is a positive and significant relationship between urbanization and economic growth in the studied countries during the period of 2010-2023.

Keywords: economic growth, urbanization, foreign direct investment, human development index, foreign trade